



## دفاع از منافع عمومی در موافقتنامه تریپس و سازمان تجارت جهانی

احمد علمشاهی<sup>۱</sup>

ابراهیم معینی<sup>۲</sup>

فاطمه عاشری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۵/۰۹

### چکیده

اجرای موافقت نامه جنبه های تجارتی حقوق مالکیت فکری (تریپس)، همواره یکی از موضوعات مورد نقد و مناقشه در بین صاحب نظران علوم مختلف است. برخی با زیر سوال بردن این توافق نامه، وجود آن را بالقوه برای رفاه عمومی جهانی و منافع ملی کشورها مضر می دانند. برخی دیگر نیز، الزامات و ضعف های سازمان تجارت جهانی را بر آسیب های توافقنامه تریپس تأثیرگذار می دانند. با این حال، برخی نیز معتقدند جایگزین های تریپس می تواند مضرتر باشد. در این مقاله ضمن مرور دیدگاه های صاحب نظران حقوق مالکیت فکری، اثرات قرارگرفتن موافقت نامه تریپس در سازمان تجارت جهانی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. بررسی این دیدگاه ها به کشورهایی مانند ایران که در نظر دارند به عضویت سازمان تجارت جهانی ملحق شوند یاری می رساند تا با درک روشن تری نسبت به این الحاق و پذیرش موافقت نامه تریپس اقدام نمایند.

### کلمات کلیدی

حقوق مالکیت فکری، سازمان تجارت جهانی، موافقت نامه تریپس

۱- گروه مدیریت فن آوری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول) alamshahi.ahmad@gmail.com

۲- عضو هیات علمی سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران. ebr.moeini@gmail.com

۳- گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
f.asheri@gmail.com

۱. مقدمه

الحاق به سازمان‌های بین‌المللی، امروزه به یکی از مسائل مهم و اساسی جوامع تبدیل شده است. عصر حاضر، جهان و مقوله جهانی شدن را به نام و شکل دهکده جهانی ارتباطات پذیرفته و در واقع به خود قبولانده است. این الحاق‌ها، در کنار عواید مثبت و مفید، مستلزم پذیرش معایب و هزینه‌های مادی و معنوی گزافی است. سازمان جهانی تجارت<sup>۱</sup> به عنوان یکی از نمونه‌های بارز سازمان‌های بین‌المللی منسجم، از این قاعده مستثنی نبوده و هر دولت - کشوری که تمایل به عضویت در آن باشد، می‌بایست در بدو تقاضای الحاق تمامی قوانین و مقررات داخلی خود را که با مقررات سازمان جهانی تجارت در تعارض است را قبل یا حین مذاکرات الحاق مورد اصلاح و بازنگری قرار دهد. یکی از الزامات پذیرش عضویت در سازمان تجارت جهانی پذیرش موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)<sup>۲</sup> است. این توافق نامه جامع‌ترین سند بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری و یکی از اجزاء تفکیک‌ناپذیر سند نهایی دور اروگوئه و یکی از سه رکن موافقت نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل موافقت نامه‌های مربوط به تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری) است.

درک اهمیت این موافقت نامه مستلزم پذیرش این دیدگاه است که پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر به ویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، ماهیت رقابت‌های تجاری بین‌المللی را دگرگون ساخته است و حفظ قدرت رقابت و سهم کشورها در بازارهای بین‌المللی را منوط به اتخاذ راهبردهایی کرده است که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت فکری است.

در طرف مقابل نیز دیدگاه‌های دیگری وجود دارد برخی منتقدان به تریپس بیان می‌دارند که این توافق نامه با دفاع انحصاری از منافع خصوصی مالکان، می‌تواند به طور بالقوه به رفاه عمومی جهانی آسیب برساند. منتقدان دیگری نیز با پذیرش اهمیت جایگاه تریپس، برخی الزامات و ضعف‌های سازمان تجارت جهانی را بر توافقنامه تریپس تأثیرگذار می‌دانند. با این حال، برخی نیز از سر ناچاری و نبود آلت‌رناتیوهای مشابه، معتقدند جایگزین‌های تریپس حتی می‌تواند مضرتر باشد. در این مقاله ضمن معرفی سازمان تجارت جهانی و موافقت نامه تریپس، به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره آنها می‌پردازیم و بررسی می‌کنیم که سازمان تجارت جهانی و تریپس به چه اصلاحاتی برای جلوگیری از کاهش آسیب‌ها و ضعف‌های خود و حذف آثار مخرب ضبط آنها توسط منافع خصوصی نیاز دارند؟

## ۲. سازمان تجارت جهانی

بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال تأسیس نهادهای برتون وودز<sup>۳</sup>، شامل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، ضرورت تأسیس یک نهاد بازرگانی جهانی جهت انتظام بخشیدن به مبادلات آزاد و از میان برداشتن محدودیت‌ها و کاهش حقوق و عوارض گمرکی احساس گردید و کوشش‌هایی در این خصوص آغاز شد. این تلاش‌ها اولین بار در کنفرانس هاوانا و با امضای بخشی از منشور هاوانا در خصوص تجارت که یک قرارداد ۳۴ ماده‌ای بود و در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور عمدتاً پیشرفته صنعتی منعقد شد و از آن تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات<sup>۴</sup> یاد می‌شود به نتیجه رسید. بطور کلی هدف اصلی گات توسعه تجارت جهانی و رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین المللی با بکارگیری ابزارهایی بود که رعایت آن از سوی کشورها منجر به گسترش تجارت و کاهش موانع تجاری می‌شد. این ابزارها در اصل اصول اساسی گات را تشکیل می‌داد که در طول ۸ دور مذاکرات آزادسازی‌های تجاری تا زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ مورد استفاده قرار گرفت.

هشتمین دور مذاکرات تجاری که از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ (دور اروگوئه) به طول انجامید، تحولات و گسترش حوزه‌های موضوعی زیادی را در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) پدید آورد که مدیریت و پیشبرد اهداف تعیین شده در آن، نهاد نیرومندی را طلب می‌کرد که منجر به تأسیس سازمان جهانی تجارت برای نظارت بر اجرای تصمیمات و موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه و تداوم مذاکرات آزادسازی‌های بعدی و همچنین رسیدگی به اختلافات بین اعضاء گردید. در حالی که تا قبل از تأسیس سازمان جهانی تجارت محور گفتگوهای آزادسازی تجاری صرفاً بخش کالایی را از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای در برمی‌گرفت، موافقت‌نامه‌های منعقد شده در پایان مذاکرات دور اروگوئه سه حوزه کالا، خدمات و حقوق مالکیت فکری را به نحو گسترده‌ای تحت پوشش خود قرار داد.

سازمان جهانی تجارت شاید مهمترین سازمان تأسیس شده در دوره پس از جنگ سرد (بعد از فروپاشی شوروی) باشد. امروزه قواعد، مقررات و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت که بر تجارت جهانی کالا، خدمات و حقوق مالکیت فکری حاکم گردیده است، به قانون اساسی تجاری دنیا تبدیل شده و تمامی کشورهایی که خواهان تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین الملل در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی خود هستند، الزاماً باید از این مقررات تبعیت کرده و قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری خود را با موافقت‌نامه‌های این سازمان سازگار نمایند.

عضویت در هیچ سازمان بین المللی به صعوبت و پیچیدگی سازمان جهانی تجارت نیست. کشوری که به عضویت این سازمان در می‌آید به بازار مطمئن و پایدار 150 کشور دسترسی آزادانه خواهد داشت

### فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و سوم - پائیز ۱۳۹۸

و لذا اعضاء زمانی حاضرند بازار خود را در اختیار عضو جدید قرار دهند که متناسباً از آن کشور امتیازات لازم را بگیرند. [۱]

#### **۳. موافقت‌نامه تریپس**

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ 15 آوریل 1994 مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقت‌نامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت (موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقت‌نامه مربوط به تجارت خدمات، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامع‌ترین و کامل‌ترین موافقت‌نامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهمترین ویژگی‌های این موافقت‌نامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- این موافقت‌نامه از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.

- این موافقت‌نامه ضمن تعیین استانداردهای حداقلی به برخی از کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت فکری از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن رای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.

- این موافقت‌نامه با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمین و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.

- این موافقت‌نامه در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان جهانی تجارت، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد. [۱]

## دفاع از منافع عمومی در موافقت‌نامه تریپس و سازمان تجارت جهانی / علمشاهی، معینی و عاشری

### ۴. حقوق مالکیت فکری: حقوق خصوصی یا منافع عمومی؟<sup>۴۵</sup>

این ایراد بر دارایی‌های مبتنی بر دانش غیرقابل انکار است که از زمانی که خلق می‌شوند و به اشتراک گذاشته می‌شوند، دیگر از بین نمی‌روند. در واقع، هم فن‌آوری جدید و هم آثار ادبی و هنری، زمانی بزرگ‌ترین مزایای اجتماعی را خلق می‌کنند که گسترش می‌یابند. [۲] این دارایی‌های فکری در افرادی که نوآوری دارند، ایجاد انگیزه می‌نماید و استفاده از نوآوری آنها را محدود می‌سازد. بدین ترتیب تضمین می‌نماید که آنها می‌توانند عایدی فوق‌العاده‌ای را داشته باشند و جامعه نیز می‌تواند بیشترین استفاده را از محصولات نوآورانه داشته باشند. قیمت این محصولات پایین نگه داشته می‌شود و انتشار، تقلید و بهبود نیز تضمین می‌شود. [۳]

در دسترس بودن عمومی نوآوری، هم لذت بخش است و هم سود آفرین، چون انتشار هزینه‌های جانبی را کاهش می‌دهد. این مطلب از دیدگاه مبتکران نیز که به ندرت به پنهان کردن تولیدات خود علاقه نشان می‌دهند، صادق است. هرچند مبتکران (ناشران و سازندگان) نیز نگرانی‌هایی دارند که می‌تواند به روش‌های مختلفی، همچون به رسمیت شناختن سهم و حفظ حقوق آنها مرتفع شود. علاوه بر این، نوآوری موفق، در گرو تلاش‌های گروهی و جمعی است، که از طریق تبادل باز ایده‌ها صورت می‌گیرند و به صورت عمومی تأمین مالی، سرمایه‌گذاری یا حمایت می‌شوند. [۲]

یک تعادل منصفانه بین منافع خصوصی و اجتماعی نوآوری مستلزم تدوین یک چارچوب و خط مشی است که هم تضمین نماید که فناوری‌های جدیدی خلق می‌شوند و هم اطمینان دهد که رقباء می‌توانند بر اساس این چارچوب کار کرده و بهبود ایجاد نمایند. چنانکه از نظریه‌های اقتصادی در مورد تغییرات فناورانه بر می‌آید، نوآوری و انتشار "دو روی یک سکه" اند: از یک سو نوآوری باعث انتشار می‌شود و از سوی انتشار هم بر روی میزان فعالیت‌های نوآورانه تأثیرگذار است. [۳]

به علاوه، بر اساس یک نگاه اجتماعی و اخلاقی تدوین مکانیزم‌هایی که تضمین نمایند نتایج نوآوری به آن کسانی که به آنها نیاز دارند، می‌رسند ضروری است. یکی از مثال‌های بدیهی در این مورد، داروها، کیت‌های تشخیصی و سایر محصولات مرتبط با سلامت و بهداشت هستند. [۳]

اقتصاددانان و سیاست‌گذاران حوزه نوآوری، همیشه در یافتن توجیه کافی برای این حقوق انحصاری با یک چالش دشوار روبرو شده‌اند: اینکه چگونه می‌توان اهداف متناقض دارایی‌های فکری را با هم تطبیق داد. منطق مشترک آنها نیاز به یک انگیزه اقتصادی برای تشویق نوآوری را می‌پذیرد. با این حال بررسی دقیق‌تر فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی نوآوری و خلاقیت نشان می‌دهد که بسیاری از توجیهات ارایه شده، برای حقوق مالکیت فکری در بهترین حالت ممکن ضعیفند. [۴]

## فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و سوم - پائیز ۱۳۹۸

هر توجیه معتبر برای حقوق مالکیت فکری، به عنوان حقوق حمایتی تخصیص داده شده در قبال مجوز انتشار و تجاری سازی بسیار محدود است. ضروری است که میزان انحصار باید محدود باشد و با تعهداتی که از منافع اجتماعی مطلوب از انتشار برخوردار است متعادل شود. [۲]

تعادل بین حقوق تخصیص داده شده و تعهدات ایجاد شده برای تضمین انتشار، باید با معیارهای رفاه عمومی تعیین شود. این کار چندان آسانی نیست، زیرا سود سرشاری که از حقوق انحصاری ناشی می‌شود، همواره روند تصویب قانون‌گذاری بر روی موضوع حقوق مالکیت فکری را تحت نفوذ شدید منافع خصوصی قرار داده‌است. با توجه به تفاوت‌های بسیار بزرگ در شرایط اجتماعی و اقتصادی بین کشورها، این تعادل برای رفاه عمومی جهانی بسیار موثر است. [۲]

### ۵. سازمان تجارت جهانی: ایجاد محدودیت یا دسترسی به بازار<sup>۶</sup>

هدف از قرار دادن حقوق مالکیت فکری در چارچوب گسترده‌تر چند جانبه سازمان تجارت جهانی، غلبه بر مشکلات رسیدن به توافق در یک سازمان متمرکز مانند وایپو بود. توافقی که به دلیل عدم تقارن بین کشورهایی که عمدتاً وارد کننده هستند و کشورهایی که عمدتاً صادر کننده محصولات و خدمات مبتنی بر اطلاعات هستند، حائز اهمیت می‌باشد (رایان، ۱۹۹۸). این شکاف اطلاعاتی عمدتاً بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد و کشورهای در حال توسعه، با بی‌میلی بسته دور اروگوئه را که انتخابی بین دسترسی به بازار بهبود یافته برای کالاهای قابل مبادله (منسوجات و محصولات کشاورزی) و حفاظت از حقوق مالکیت فکری بود پذیرفتند. محرک اصلی نوآوری مزیت "پیشگامی" است، که سود بالاتری برای شرکت‌های پیشرو تا زمانی که نوآوری عمومیت پیدا کند را تضمین می‌کند. این موضوع نیازی به ایجاد حقوق انحصاری ندارد. بنابراین این مطلب که سازمان تجارت جهانی، باید تعهداتی با هدف حمایت از حقوق انحصاری ایجاد کند با ماهیت آن که ظاهراً برای برانگیختن بازدهی اقتصادی از طریق بازارهای آزاد طراحی شده‌است، تناقض دارد. [۲]

از لحاظ تاریخی، انتقال فناوری نقش مهمی در صنعتی شدن ایفا کرده است. بخش بزرگی از این انتقال توسط شرکت‌های تقلید کننده انجام می‌شود. برای تولید کنندگان در کشورهای در حال توسعه کپی برداری از تکنولوژی‌های تحت محافظت حقوق مالکیت معنوی در قالب قوانین تریپس سخت و غیر ممکن است. [۳]

شرکت‌های داخلی که تمایل به استفاده از تکنولوژی‌ها را دارند می‌بایست از دارندگان فناوری‌ها مجوز دریافت کنند و یا حق انحصارگران را پرداخت کنند تا مبادلات تجاری صورت پذیرد. خیلی از شرکت‌های قادر به پرداخت این هزینه‌ها نبوده و در صورت پرداخت هزینه‌ها نیز توانایی رقابتی شرکت‌ها کاهش

## دفاع از منافع عمومی در موافقت‌نامه تریپس و سازمان تجارت جهانی / علمشاهی، معینی و عاشری

می‌یابد. قوانین تریپس موانع و محدودیت‌ها زیادی را برای کشورهای در حال توسعه برای ارتقاء سطوح فناوری های خود قائل می‌شود. تقویت و گسترش حقوق مالکیت فکری تحت قوانین تریپس به صورت ناخودآگاه دسترسی به تکنولوژی و بهره برداری از آن را دشوار می‌سازد. [۲]

تریپس، حقوق مالکیت فکری را به منظور ایجاد انضباط در مقررات ملی کشورها برای تضمین "دسترسی به بازار"، به طور مستحکمی به تشکیلات سازمان تجارت جهانی پیوند زده است. حامیان ادعا می‌کنند تعهداتی که این پیوند ایجاد می‌کند حقوق دولت‌ها را محدود نمی‌کند، مشروط بر اینکه به نفع شرکت‌های داخلی تمایز قایل نشوند. با این حال، تجربه گات، وجود موانعی را برای شرکت‌های خارجی که به دنبال دستیابی به بازار هستند نشان می‌دهد. صاحبان شرکت‌های ثبت اختراعات خارجی نیز مدعی‌اند که حقوق مالکیت فکری در کشورها بین آن‌ها تبعیض قائل می‌شوند و از صنایع داخلی حمایت می‌کنند. [۲]

### **۶. سازمان تجارت جهانی: اعمال مقررات و یا حاکمیت قانون**

یکی از انتقادهای وارده به تریپس این است که این توافق‌نامه نه تنها سازمان تجارت جهانی را به جای واپسو به عنوان ارگان مربوط به حقوق مالکیت فکری می‌پذیرد بلکه این سازمان را در موضع قدرتمندی نسبت به سایر سازمان‌های مشابه نیز قرار می‌دهد. به طور مثال سازمان بین‌المللی کار، ارگان مناسب برای استانداردهای کار است. به همین ترتیب، کمیسیون کدکس الیمنتاریوس، ارگان مربوط به استانداردهای ایمنی مواد غذایی و ایزو ارگان مربوط به استانداردهای فنی است. اما مشکل اینجاست که در عمل سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند جایگزین این سازمان‌ها شود. بنابر این یک مسئله کلیدی برای ایفای نقش‌های آتی سازمان تجارت جهانی این است که آیا می‌تواند روابطی همکارانه و واقعی را با چنین سازمان‌های وابسته‌ای ایجاد و توسعه دهد، به نحوی که احساس نشود دیدگاه تجارت بین‌المللی باید بر همه دیدگاه‌های دیگر چیره شود. [۲]

یکی از عناصر کلیدی قدرت سازمان تجارت جهانی اینست که می‌تواند مجوزی را برای اعمال تحریم‌های تجاری برای نقض هر کدام از موافقت‌نامه‌های خود، طبق رویه‌های تعیین شده در نظام حل اختلاف صادر کند. به طور مثال، یک کشور توسعه‌یافته می‌تواند با شکایت از نقض موافقت‌نامه تریپس، مانعی بر سر مبادله کالا ایجاد کند. برای این کار کافی است تا دولتش شکایتی را برای اعمال تحریم کامل واردات کالا، تحت قوانین سازمان تجارت جهانی که در مناقشه موز تفسیر شده، اعمال کند. این ترتیبات به ظاهر بی‌ضرر، که به عنوان نوعی میانجیگری سیاسی - دیپلماتیک و داوری تحت گات توسعه یافت، سازمان تجارت جهانی را به یک دادگاه اقتصادی جهانی تبدیل کرده است. [۵] اما مایک مور مدیر وقت سازمان تجارت جهانی،

## فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و سوم - پائیز ۱۳۹۸

معتقد است که این امر برای مشروعیت سازمان تجارت جهانی مهم است. مور اظهار می‌دارد در اینجا دولت‌ها تصمیم می‌گیرند، نه سازمان ... ما قانون را زیر پا نمی‌گذاریم. ما نقش قانون را حفظ می‌کنیم. بدیهی است جایگزین قانون، مکانیزم جنگل است. [۶]

با این حال، برخی معتقدند سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند صرفاً به دلیل اینکه از طریق قانون عمل می‌کند، برای خود مشروعیت قائل شود، در صورتی که فرآیندهای تصمیم‌گیری و اعمال آن، قوانین فاقد شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به مردم است (پیچیوتو، ۲۰۰۱). علاوه بر این، هنگامی که قانون برای تعریف و اجرای حقوق اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند حقوق قدرت‌های اقتصادی را در مقابل حقایق تقویت کند. همچنین به کسانی که قوانین را می‌سازند و به کسانی که آن‌ها را تفسیر می‌کنند قدرت قابل توجهی می‌دهد. قانون ممکن است پی‌گیری سیاست‌های تجاری به وسیله روش‌های دیگر باشد. قوانین حاکم بر اقتصاد جهانی، در حقیقت در سازمان تجارت جهانی زمین گذاشته می‌شوند و در عمل، سیستم‌های پیچیده موافقت‌نامه‌ها و مقررات توسط تکنوکرات‌هایی استفاده و اداره می‌شوند که فعالیت‌های آن گاهی توسط وزیران بازرگانی، نیمه آگاهانه تایید سیاسی می‌شود. [۲]

### ۷. سازمان تجارت جهانی: حقوق مالکیت در برابر حقوق بشر<sup>۷</sup>

حقوق بشر، در دوره‌های مختلف از نظر تاریخی توسعه یافته‌اند، در نسل اول حقوق مدنی و سیاسی مورد تاکید قرار گرفته‌اند، در حالی که در نسل دوم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جایگاه بهتری قرار دارند، و در نسل سوم حقوق جمعی مانند خودمختاری و توسعه پایدار به عنوان حقوق لازم‌الاجرا، مطرح است. مطالعات متعددی با دیدگاه مختلفی در مورد جایگاه حقوق مالکیت در برابر حقوق بشر صورت پذیرفته است که برخی به شرح زیر می‌آید:

- برخی از این دیدگاه‌ها، ادعا دارند حقوق برابر شهروندان، موثرترین راهکار برای جبران کمبودهای دموکراتیک سازمان‌های بین‌المللی است و عصر جدیدی از صلح و خوشبختی در جهان می‌تواند با پی‌گیری نامحدود منافع اقتصادی از طریق تجارت، تحت پوشش اصولی که در برگیرنده حقوق شهروندی فردی است، تضمین شود. این دیدگاه فرض می‌کند که پی‌گیری منافع شخصی، به خصوص از طریق تبادل اقتصادی، در نهایت برای همه سودمند است. از این رو، توسعه اصولی که متضمن حقوق فردی است، برای تضمین رضایت عمومی و مشروعیت کافی است. [۷]

- دیدگاه دیگر با قبول این ادعا که آزادی تجارت باید همراه با پذیرش حقوق بشر باشد، معتقد است حقوق بشر باید در اساسنامه سازمان تجارت جهانی مورد ستایش قرار گیرد. با این حال، در این نظرگاه، اغلب تضمین‌های حقوق بشر در مورد آزادی فردی، عدم تبعیض، فرصت‌های برابر و حاکمیت قانون است



## دفاع از منافع عمومی در موافقت‌نامه تریپس و سازمان تجارت جهانی / علمشاهی، معینی و عاشری

و اعمال آن‌ها در قانون تجارت، غفلت از آزادی‌های اقتصادی است. با این حال تاکید آنها بر حقوق مالکیت خصوصی و آزادی‌های بازار است. بنابراین، به حمایت از حقوق مالکیت معنوی در موافقت‌نامه تریپس اشاره می‌کنند. [۷]

- دیدگاه‌های دیگری قائلند که حق مالکیت باید به عنوان یک قاعده مدنی تلقی شود نه یک حق اقتصادی. این مسائل اقتصادی نسبتاً اساسی دسترسی به زمین و منابع طبیعی، سرپناه، غذا و کار را نادیده می‌گیرد، چه برسد به حقوق فرهنگی.. بنابراین، دیدگاه حقوق بشر مبتنی بر حق مالکیت و آزادی بازار، به سادگی تاثیر مشروعیت بخشیدن به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. [۲]

با این وجود، بررسی جایگاه حقوق مالکیت در برابر حقوق بشر، مستلزم بررسی دیدگاه نئولیبرال نسبت به حقوق بشر فردی بر پایه مفاهیم گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه‌یافته در چند دهه گذشته از طریق سازمان ملل و سازمان‌های دیگر است. این امر حاکی از آن است که مسائل اساسی در مقررات اقتصادی بین‌المللی باید در پرتو هنجارهای حقوق بشری در نظر گرفته شوند. کمیسیون فرعی ترویج و حمایت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه اوت سال ۲۰۰۰ میلادی سندی را با تاکید بر این که اجرای موافقت‌نامه تریپس، به اندازه کافی ماهیت اساسی و مشروعیت تمامی حقوق بشر از جمله حق هر فرد برای بهره‌گیری از مزایای پیشرفت علمی و کاربردهای آن، حق دسترسی به سلامت، حق دسترسی به غذا و ... را منعکس نمی‌کند، تصویب کرد. در طرف مقابل نیز بیان شد اگر هنجارهای حقوق بشری به مفاهیم لیبرال حفاظت از مالکیت خصوصی و آزادی فردی محدود شود، ممکن است نگرانی‌های مهم سیاست عمومی مانند کاهش فقر، بیماری و گرسنگی، را مرتفع نکنند. [۲]

### ۸. سازمان تجارت جهانی: قوانین و حاکمیت ملی<sup>۸</sup>

"همه‌نگ‌سازی" یک مساله اصلی برای سازمان تجارت جهانی است. توافقات مربوط به سازمان تجارت جهانی استانداردهایی ایجاد می‌کند که مقررات ملی باید بر اساس آن مورد ارزیابی قرار گیرد. حتی تریپس، در بسیاری از جنبه‌ها، آزادی عمل قابل توجهی را برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا قوانین و سیاست‌های ملی خود را متناسب با شرایطشان همه‌نگ کنند. این کشورها باید به خاطر داشته باشند که موافقت‌نامه تریپس، دو نوع تعهد مبتنی بر پیروی از قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شود: اول اینکه؛ اعضای سازمان تجارت جهانی ملزمند مفاد اصلی چندین معاهده چند جانبه (به طور خاص کنوانسیون برن و پاریس) را اعمال کنند. و دوم اینکه؛ موافقت‌نامه تریپس نیز شامل تعدادی الزامات حداقلی برای حفاظت از حقوق مالکیت فکری همچون حفاظت از کپی‌رایت برای برنامه‌های رایانه‌ای (ماده ۱۰) و حفاظت از حق ثبت برای فرآیندهای میکروبیولوژیکی (ماده ۲۷) است. [۲]

## فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و سوم - پائیز ۱۳۹۸

با این حال، این نکته قابل توجه است که موافقت‌نامه تریپس در مورد شرایط اعطای حق مالکیت خصوصی غیر تجویزی<sup>۹</sup> است، اما در مورد رویه‌هایی اجرای این حقوق و در حد مجاز حقوق خصوصی، برای حفاظت از منافع عمومی نیز بسیار جدی و دقیق است. این موضوع به ویژه در رابطه با حق انحصاری ثبت اختراعات اهمیت ویژه‌ای دارد. موافقت‌نامه تریپس به مفاد اصلی مندرج در ماده ۲۷ - که در پیش‌نویس معاهده هماهنگی ثبت اختراعات که در سال ۱۹۹۱ پس از شش سال کار در واپو رها شده بود - متعهد گردید. تهیه‌کنندگان پیش‌نویس تریپس اساساً آن مقررات را به نفع مالکان حقوق ثبت اختراع در مقایسه با پیش‌نویس واپو در سال ۱۹۹۱ تقویت کردند. تریپس گزینه‌های سخت‌تری را نسبت به پیش‌نویس واپو در دوره حداقل ۲۰ ساله، در مورد نیاز به ثبت اختراع اتخاذ و محدوده قدرت دولت‌ها برای محدود کردن ثبت اختراع را به دقت ترسیم کرد. از سوی دیگر، گرچه موافقت‌نامه تریپس، سه شرط اصلی ثبت اختراع (تازگی، گام مبتکرانه و کاربردی و صنعتی بودن) را مشخص کرد، ولی این موارد به وضوح تعریف نشده‌اند. همچنین این موافقت‌نامه هیچ تلاشی را برای روشن کردن تمایز بین یک اکتشاف و اختراع انجام نداده است. این نشانه ضعف است که به دفاتر ثبت اختراع در برخی از کشورها، مانند ایالات متحده اجازه ثبت اختراعات موجودات زنده را صادر و خصوصی‌سازی دانش و فنون زیست محیطی را تشویق کنند. در حالیکه در این رابطه، نیاز به انعطاف‌پذیری کم‌تری در تریپس وجود دارد. [۲]

### ۹. سازمان تجارت جهانی: توسعه استانداردهای رفاه عمومی<sup>۱۰</sup>

یک مشکل بنیادی با تریپس هدف آن برای ایجاد یک سطح بالای حفاظت و حقوق انحصار قوی است. به نظر می‌رسد که این پیمان "سطح بالا" به جای حفظ منافع اجتماعی، بیش‌ترین حق را برای مالکیت خصوصی قائل می‌شود. بنابراین، در نظر گرفتن تاثیر رفاه عمومی، باید به تعریف و تفسیر گسترده چنین حقوقی وارد شود و با توسعه استانداردهایی برای رفاه جهانی، دامنه حقوق و تعهدات بین‌المللی اقتصادی مانند موافقت‌نامه‌های تریپس را ارزیابی کند.

تعجب‌آور نیست که در مباحث مهم نشست ژوئن ۲۰۰۱ در شورای تریپس، اهمیت ارزیابی مفاد موافقت‌نامه تریپس در پرتو این اصل مورد تاکید قرار گرفته‌است. بدیهی است که توسعه استانداردهای رفاه جهانی و ارزیابی مفاد موافقت‌نامه تریپس در پرتو آن‌ها نیازمند مباحثات گسترده عمومی است. کمپین‌هایی که در مورد بر روی تاثیر تریپس بر دستیابی به مواد دارویی فعالند چنین بحثی را آغاز کرده‌اند. این راه با انصراف ایالات متحده از شکایت علیه برزیل و رفع چالش قوانین پزشکی آفریقای جنوبی هموارتر شده‌است. اگرچه این ادعاها مبنی بر حمایت از حقوق خصوصی به حالت تعلیق درآمده‌اند، ما

## دفاع از منافع عمومی در موافقت‌نامه تریپس و سازمان تجارت جهانی / علم‌شاهی، معینی و عاشری

هنوز تنها در مراحل اولیه بحث بر سر ایجاد یک رژیم حقوقی مالکیت فکری بین‌المللی هستیم که می‌تواند به اندازه کافی استانداردهای رفاه جهانی را منعکس کند.

### ۱۰. جمع‌بندی و ملاحظاتی برای حقوق مالکیت فکری در تریپس و سازمان تجارت جهانی

– در حالی که معیارهای اعطای حق مالکیت خصوصی به طور گسترده ترسیم شده‌اند، دامنه دولت‌ها برای محدود کردن این حقوق برای اهداف عمومی به طور خاص در تریپس کمتر شرح داده شده‌است. این امر به سازمان تجارت جهانی اجازه می‌دهد تا محدودیت‌هایی را برای منافع عمومی در مقابل حقوق مالکیت فکری در سطح ملی اجرا کند. لذا انعطاف‌پذیری در تفسیر محدودیت‌های مربوط به حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی برای دفاع از منافع عمومی در دسترسی به تکنولوژی‌های جدید و دانش ضروری است.

– نهادهای حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی باید نقش و مناسبات خود را در این موقعیت شفاف و روشن کنند. برای این نهادها مناسب نیست که به دادگاه استیناف علیه تصمیمات نهادهای ملی همچون مجالس قانونگذاری، دادگاه‌ها و مسئولان بازرسی ثبت اختراع تبدیل شوند. وظیفه آن‌ها اعمال اصول توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مانند موافقت‌نامه تریپس از جهت کفایت قوانین ملی برای اهداف تجاری است.

– تعیین نحوه "ارتباط" بین سازمان تجارت جهانی و رژیم‌های نظارتی مربوط به آن (بویژه سازمان‌های تنظیم‌کننده استاندارد)، تنش بین یکنواختی و تنوع مناسبات ذاتی در مفهوم لغزنده هماهنگ‌سازی و پاسخگویی، شفافیت و مسئولیت سازمان تجارت جهانی به عنوان یک نهاد عمومی از نکات اساسی مورد توجه برای این سازمان است.

– دارایی‌های معنوی یکی از مؤلفه‌های مهم در خط مشی نوآوری است، اما تأثیر آن بر اساس بخش‌های اصلی و میزان توسعه کشوری که خط مشی در آن اجراء می‌شود، متفاوت است. اعطای حقوق انحصاری با ایجاد ممانعت در برابر استفاده‌های غیرمجاز، قابلیت تناسب را افزایش می‌دهند. اگر قدرتی که به صاحب حق اعطاء می‌شود، بسیار قوی باشد آنگاه انتشار نیز محدود خواهد شد و نوآوری‌های بیشتر نیز در معرض خطر قرار می‌گیرند. همچنین کسانی که این نوآوری‌ها را در اختیار می‌گیرند نیز از دسترسی به محصولات مورد نیاز محروم می‌شوند. بنابراین یک خط مشی مناسب برای دارایی‌های فکری باید تعادلی خوب بین حقوق انحصاری و از طرفی حقوق استفاده از نوآوری‌ها برقرار نماید.

– اتخاذ یک رویکرد متفاوت می‌تواند تضمین کند که قوانین سازمان تجارت جهانی به دولت‌های ملی اجازه می‌دهد تا حوزه کافی برای قضاوت درباره منافع عمومی ایجاد کنند. به ویژه توسط کشورهای

### فصلنامه مدیریت کسب و کار - شماره چهل و سوم - پائیز ۱۳۹۸

در حال توسعه، تاکید شده است که تریپس باید با انعطاف پذیری بیشتری تفسیر شود تا از تحمیل مدل یکسان برای حقوق های دارایی های فکری اجتناب کند. توافقنامه های سازمان تجارت جهانی مستلزم تغییراتی برای هماهنگ سازی مقررات بین المللی، با نیازهای دولت ها برای اتخاذ مقررات داخلی براساس استانداردهای بین المللی است. بویژه برخی از نابرابری ها در قوانین مربوط به انتقام متقابل، باید در بازبینی نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی تجدید نظر شوند.

- بررسی ها نشان می دهد تضاد ظاهری بین نظام حقوق مالکیت فکری در موافقت نامه تریپس از یک سو و قانون حقوق بشر بین المللی در طرف دیگر وجود دارد. هر چند در مواردی نیز الزامات و اصول حقوق بشر بین المللی از کارکرد اجتماعی مالکیت معنوی محافظت می کند. لذا درک این تمایزات و تشابهات ضروری است.

## دفاع از منافع عمومی در موافقت‌نامه تریپس و سازمان تجارت جهانی / علمشاهی، معینی و عاشری

### منابع

- (۱) رازینی ابراهیم علی رازینی، شریعتی نیا محسن. (۱۳۹۰)، نکاتی در مورد سازمان تجارت جهانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، نشریه تابا، شماره ۹۲.
- 2) Picciotto, Sol. (2002), *Defending the Public Interest in TRIPS and the WTO*, Global Intellectual Property Rights, Edited by Peter Drahos and Ruth Mayne.
- 3) Carlos M. Correa. (2002), *Pro-competitive Measures under TRIPS to Promote Technology Diffusion in Developing Countries*, Global Intellectual Property Rights, Edited by Peter Drahos and Ruth Mayne.
- 4) Stuart Macdonald. (2002), *Exploring the Hidden Costs of Patents*, Global Intellectual Property Rights, Edited by Peter Drahos and Ruth Mayne.
- 5) Weiler, J.H.H. (2000). *The Rule of Lawyers and the Ethos of Diplomats: Reflections on the Internal and External Legitimacy of WTO Dispute Settlement* (Harvard Law School, Harvard Jean Monnet Working Paper 09/00).
- 6) Moore, M. (2000) 'The Backlash against Globalization?' , speech delivered in Ottawa, 26 October (published on the WTO website [www.WTO.org](http://www.WTO.org), accessed 27 January 2001).
- 7) Petersmann, Ernst-Ulrich. (2000) 'The WTO Constitution and Human Rights', *Journal of International Economic Law*, vol. 3, no. 1, pp. 19–25.
- 8) Oloka-Onyango, J. and D. Udagama (2000) *Preliminary Report on Globalization and its Impact on the Full Enjoyment of Human Rights to the Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights of the UN Commission on Human Rights* (E/CN.4/Sub.2/2000/13).

یادداشت‌ها:

- 
- 1 World Trade Organization (WTO)
  - 2 Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)
  - 3 Bretton-Woods
  - 4 GATT - General Agreement on Tariffs and Trade
  - 5 Private rights or public interests
  - 6 market access
  - 7 Property rights v. human rights
  - 8 national sovereignty
  - 9 non-prescriptive
  - 10 Developing global welfare standards